

# دکتر قاسملو و جنبش سراسری ایران

تلاش امپریالیسم و بقایای نظام سلطنتی در این رابطه خواستار هتیار و هم آهنگی و اتحاد عمل آنان میگردید . فدیت قاسملوی شهید با نظام سلطنتی بدان جهت بود که آن سیستم نه میتواند با استقلال کشور و استقرار حکومت دیگر اتیک در ایران موافق باشد و نه در ماهیت دارد . خواستهای ملی و اجتماعی خلقهای تحت ستم و اقشار و طبقات زحمتکش میهنمان را تحقق بخشد . او به هم میهنان یادآوری میگرد که در کشور عقب مانده ای مانند ایران ، شاه که فاقد پایگاه اجتماعی در بین مردم است ، سرانجام به دیکتاتور تبدیل شده و کشورمان را بسوی وابستگی سوق میدهد . در این نوع کشورها همه قدرت در دست شاه متمرکز میگردد و این امر با اهداف جنبش سراسری ایران و خواستهای خلق کرد که میخواهند مردم در قدرت شرکت داشته باشند و بخشی از قدرت مرکزی باشد . خلقهای تحت ستم و اگذار شوند ، سازگار است ، بهمین دلیل دکتر قاسملو و هوادار نظام ، جمهوری بود . و این نظام را آلت ناتیوی میداند که لازم است همه نیروهای مترقی و انقلاب کشور برای استقرار آن مبارز کنند .

وقتی که افکار و نقطه نظرات دکتر قاسملوی زنده یاد را در ارتباط با جنبش سراسری ایران مورد بررسی قرار میدهم و از عشق و علاقه رهبر شهیدمان نسبت به میهنش و آینده ایران سخن به میان میآوریم ، میسازان دیگری برای شناخت نظریات اصولی ، شخصیت برجسته ، کاری دانی سیاسی و میهن پرستی آن بزرگوار را در برابر خود میبینیم .

دکتر قاسملو یک مبارز سرخ راه استقلال ایران بود . همانگونه که در داخل حزب باور عمیقی به استقلال حزب داشت ، استقلال ایران را نیز

شرط اصلی ترقی و احیای شخصیت ملی ساکنان ایران میدانست . وی با تمام وجود از وابستگی ایران به قدرت بیگانه بیزار بود و مبارزه پیگیر خود و حزبش علیه نفوذ سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و نظامی امپریالیسم در ایران ، نمونه ای از این بیسازاری میباشد . دکتر قاسملو علیه هر نوع تلاش قدرتهای خارجی برای ستم اندازی در راه استقلال کشورمان مبارزه می کرد . کاک دکتر در طول حیات پر از مبارزه و تلاش خود ، این اصل مقدس را فراموش نکرد که تصمیم گیری در باره سر نوشت

دکتر قاسملو برای آنکه یکس مردم سراسر کشور احساس آزادی و به کار بردن اراده خود

رهبر بزرگوار ما از روزی که بعنوان یک مبارز و انقلابی ایران پسای باشد میدان مبارزه نهاد و صفوف حزب دمکرات کردستان ایران را برای مبارزه و پییکار سیاسی خویس انتخاب کرد ، پیگیرانه در راه سرنگونی نظام سلطنتی در ایران میخوشید . پس از سقوط رژیم سلطنتی در نتیجه قیام شومند خلفهای ایران در سال ۱۳۵۷ نیز در هر نرختی خلسه بازگشت در باره سلطه آن سیستم را به خلقها و نیروهای میهن پرست یادآوری می کرد و برای عظیم گذاشتن عر و نوسه

تعیین سرنوشت کشور بکنند از سوی دیگر خودمختاری خلق در کردستان ایران در گذشته از پشتوانه محکمی برخوردار گردیده خواستار استقرار نوعی از نظام جمهوری است که پایه و شالوده آن بر برابری استوار باشد رهبر پادمان بر این باور بود که شرایط ویژه کشور ایران با یک حکومت دموکراتیک با یکت احزاب مختلف در آن نتواند کشور را بسوی ترقی خوشبختی سوق دهد. وی بارها این خطر را گوشزد می کرد که کشوری مانند ایران که تنها و مذاافت گوناگون را برگرفته است و سلطه عربک و ملل و مذاافت بر بقیه هر نوع انحصارگری در قدرت و دست مای کشور را به نظر سر داخته و ایران را بسوی یک داخلی می کشاند. دکتر قاسملو برای اتحاد نیروهای قلابی کشور و پیوند دادن پیش ملی - دموکراتیک مردم کردستان ایران با جنبش سراسری میث فوق العاده ای قیام کند و این بدان منظور بود که آینده هیچ گروه سیاسی از صافی نتواند به تنهایی برت را در انحصار خود بگیرد قاسملو این مساله را پنهان می کرد که بدست گرفتن قدرت در ایران حق انحصاری هیچ سازمان و گروه خاصی به تنهایی نیست و باید همه احزاب و سازمانها و بخشهای مختلف

جامعه متناسب با نفوذ خود در تعیین حاکمیت و بدست گرفتن قدرت سهیم باشند. وی ضد هر نوع دیکتاتوری و انحصار طلبی در داخل کشور بود و بصراحت اعلام می کرد بدترین دموکراسی را بر بهترین دیکتاتوری ترجیح می دهم . رهبر شهید حزب ما به هیچ کس اجازه نداد خود را از وی و با هر کرد دیگر ایرانی، ایرانی تر قلمداد کند همیشه بیزار از خود را از این امر اعلام میداشت که وی و خلق متبوعش در چهارچوب کشور ایران همسین درجه دوم محسوب شوند. دکتر قاسملو رفع ستم ملی از خلق کرد در کردستان ایران را ضامن این امر میدانست که مردم کردستان در داخل کشورشان خود را هم وطن درجه دو احساس نکنند و خود را هم طراز دیگر همسینانشان ببینند. هر زمان دکتر قاسملو با حزب او را به تجزیه طلبی متهم می کردند بصراحت تمام اعلام می کرد حکومتهایی که میخواستند خلق کرد و دیگر خلقهای تحت ستم را در زیر دستی نگاه دارند، کشور را بسوی تجزیه و از هم گسیختگی می برند و مگر نه در مملکتی که همه خلقهای تشکیل دهنده آن احساس کنند که آزاد هستند و سرنوشت خود را در دست دارند، فکر جدایی طلبی به خاطر کدامیک از آنها خطور می کند؟ دکتر نهاد بر این

باور بود که خلق کرد در کردستان ایران با خلقهای دیگر ایران دارای تاریخ فرهنگ و آداب و رسوم و منافع سیاسی مشترکی است و هرگز باید ستم ملی از دوش آن بر نداشته بود، همبستگی های آن به جامعه و کشور ایران بیشتر و محکمتر می گردد. دکتر قاسملو تنها خواستار حل مساله ملی مردم کردستان نبود. او برای تامین حقوق ملی همه خلقهای ایران در تلاش بوده به همین خاطر در طرح ریزی هرگونه برنامه مشترکی برای اتحاد با نیروهای سیاسی ایران بر قید حقوق ملی خلقهای تحت ستم کشور پس فشاری می کرد. دکتر قاسملو مبارزه خلقهای ستم کشیده ایران مانند بلوچ، آذری، عرب و ترکمن خوشحال بود و هرگونه حرکت رهایی بخش آنان را پشتیبان محکمی برای جنبش انقلابی خلق کرد در کردستان ایران و بخش مهمی از جنبش سرتاسری قلمداد می کرد. وی داشت تا حزب او از هر نوع تلاش برای برقراری ارتش محکم با انقلابیون خلقهای زیر ستم و کمک به آنها دریغ نورزده قاسملو یک نظام فدراتیو را بهترین راه حل مساله ملی در کشور ایران میدانست . نکته دیگری که در رابطه با دکتر قاسملو و جنبش سرتاسری ایران باید بدان

# نقش دکتر قاسملو در حزب دمکرات

اشاره کنیم، اهمیت دادن رهبر شهید ما به اتحاد نیروهای دمکرات و مرفی کشور است. قاسملو از جمله شخصیت‌های بزرگ ایرانی بود که همیشه پرچمدار همکاری و اتحاد در میان نیروهای انقلابی ایران بود. حزب ما تحت رهبری دکتر قاسملوی شهید، بویژه در چند سال اخیر که کردستان به حق سنگر آزادی سراسر ایران بوده، نمونه برجسته‌ای از همکاری با سازمانهای سیاسی ایران را ارائه داده است. هیچ نیروی سیاسی ایرانی نیست که بخشی از فعالیت‌های خود را در کردستان ادامه داده باشد و حزب ما همکاری قابل توجهی با آن نکرده باشد. دکتر قاسملو این همکاریها را قدمی درست در جهت نزدیکی و اتحاد با سازمانهای سیاسی ایران به حساب می‌آورد. اگر می‌بینیم در پیامهای تسلیم‌ناپذیر سازمانهای سیاسی ایران به مناسبت ترور قاسملوی شهید از تلاشهای نامرده برای تحکیم اتحاد میان نیروهای اپوزیسیون ایران متذکر می‌شویم. عمل آمده است امری اتفاقی نیست. رهبر شهید برای ما باور بود که بهترین نوع اتحاد و همکاری میان نیروها، سازمانها و شخصیت‌های دمکرات و مرفی ایران، جنبه دمکراتیک ضد اسپریالیستی می‌باشد. جنبه‌ای که بتواند هم رژیم ضد خلقی آخوندی را

رفقای ما را!

خدمات رفیق شهید، دکتر قاسملو به حزب دمکرات کردستان ایران آنقدر بزرگ و ارزنده هستند که تا ابد در تاریخ حزب ما ثبت شده. باقی خواهند ماند. دکتر قاسملو بود که حزب دمکرات کردستان ایران را پس از چند سال انحراف به راه درست و مرفیانه خرد بازگرداند و هم او بود که با تمام توان از استقلال تصمیم‌گیری حزب دفاع می‌کرد و به ما می‌آموخت که در راه حفظ این استقلال هر بهایی را از آن بدانیم! (از اعلامیه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان به مناسبت ترور دکتر قاسملو) حقیقت اینست که بررسی نقش شخصیت مردی چون دکتر قاسملو در حزب دمکرات کردستان ایران بسیار فراتر

از آنست که در قالب یک گفتار کوتاه روزنامه‌ها بگنجند. نقش کمی که هم زندگی سیاسی خویش را در صفوف حزب دمکرات گذرانده. تمام سالهای حیات حزب دمکرات، شاهد فعالیت‌های پرثمر وی بوده و رویه‌ها حدود ۳۰ سال نقش اول و یا درجه اول را در رهبری حزب داشته. بزرگترین آنست که در چند سن و سال چند صفحه‌ای مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. در اینمورد اگر بخواهیم حقیقت را ادا کنیم، باید بررسی مفصلی از رویدادهای ۴۰ و اندکی سال که زندگی حزب دمکرات و سرنوشت دکتر قاسملو در آن بهم گره خورده اند، بعمل آوریم. لذا در اینجا تنها چیزی که از دست ما برمی‌آید اینست که مختصراً به چند فصل از

شان افتخار می‌کنند، خلق ایران هم به وجود هم وطن. چون دکتر قاسملو افتخار کرد و نظرات وی را در ارتباط با جنبش سراسری ایران راهنما راهنمای مبارزات خود می‌سازد و بهمین خاطر است. رهبر دکتر قاسملو نه تنها برای کرده بلکه برای هر ایرانی شرافتمند ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر بود.

سرنگون کند. و هم آلترناتیو دمکراتیکی جایگزین آن سازد که پاسخگوی اهداف انقلاب ایران باشد. دکتر قاسملو اگر برای حزب و خلق ما رهبری با استعداد و کاردان بود، برای خلقهای ایران و جنبش سراسری شورمان نیز یک انقلابی کبیر راهنمایی بزرگ بود. بدون شک همچنانکه مردم کردستان به مسلم و رهبر